

نقش آب به عنوان ابزار سیاسی در مناقشه فلسطین - رژیم صهیونیستی

علی ولی قلی‌زاده^۱

چکیده: آب به عنوان مهم‌ترین منبع حیات بشری، در مناطق خشک نقش مهمی در روابط سیاسی دولت‌ها بازی می‌کند. در حال حاضر، رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از توسعه اجتماعی و سیاسی فلسطین، با هدف کنترل ملت فلسطین، استفاده از فشار روانی در سرزمین‌های اشغالی و تسریع در روند ملت‌سازی در اسرائیل از این منبع حیاتی به صورت یک ابزار سیاسی استفاده می‌کند. به اعتقاد برخی از کارشناسان، آب در استراتژی ملی رژیم صهیونیستی به قدری مهم است که حتی می‌توان از آن به عنوان عامل وجودی و بقای اسرائیل نام برد. در این راستا، موجودیت دولت و بقای آن، از جمله دلایل عمده‌ای است که رژیم صهیونیستی از عودت سرزمین‌های اشغالی که نیمی از آب مصرفی اسرائیل از آنجا تأمین می‌شود باز می‌دارد. به عبارتی دیگر، این نگرش کاملاً سیاسی و امنیتی باعث شکل‌گیری نوعی تجاوزطلبی و اشغالگری ایدئولوژیک در نزد اسرائیلی‌ها در مقابل فلسطینی‌ها بوده است. در همین زمینه، رویدادهای تاریخی، بی‌کفایتی سازمان‌های قانونی بین‌المللی و نیز جاه‌طلبی‌های ناسیونالیستی در سیاست ملی اسرائیل باعث ایجاد بحران گسترده آب در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بوده است. در مجموع، باتوجه به آنچه که گفته شد در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، علاوه بر بررسی نقش آب در روند تاریخی اختلافات اسرائیل - فلسطین، بُعد انسانی منازعات طرفین در خصوص منابع آب و نقش آن در جلوگیری از عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: بحران آب، منازعه فلسطین - رژیم صهیونیستی، رودخانه اردن، سرزمین‌های اشغالی.

۱. آقای علی ولی قلی‌زاده، دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

آب، مهم‌ترین منبع حیات به شمار می‌رود که طبیعت در اختیار بشریت قرار داده است. با این که سه/چهارم سطح کره زمین را آب فرا گرفته است، بخش عمده آب‌های شیرین از یخ تشکیل شده و منابع قابل استفاده آب شیرین تنها ۱٪ از کل حجم آب را شامل می‌شود. امروزه نزدیک به یک/سوم جمعیت جهان در مناطقی زندگی می‌کنند که با کمبود آب روبرو هستند و انتظار می‌رود این میزان در سال ۲۰۲۵ به دو/سوم افزایش یابد. در قرن گذشته علاوه بر افزایش سه برابری جمعیت جهان، افزایش شش برابری مصرف آب و تداوم آن به دلیل نوع شیوه‌های مصرف، نیازهای بخش صنعت و کشاورزی، روز به روز باعث کاهش منابع آب شده است. این وضعیت به خاطر دلایلی چون آلودگی، مصرف بی‌رویه و گرم شدن کره زمین، منابع رو به کاهش آب را با اُفت کیفیتی روبرو ساخته است. در حال حاضر شاهد یک بحران جهانی آب هستیم که خصوصاً در آفریقا و خاورمیانه مشکلات بزرگی را به وجود آورده و به تدریج خود را در مناطقی چون ایالات متحده آمریکا، چین و هندوستان نیز نشان می‌دهد. این بحران، باعث شده است بعضی‌ها هر روز کیلومترها راه را برای رسیدن به آب بپیمایند، بعضی‌ها را در معرض بیماری‌های واگیردار و خطر گرسنگی قرار داده و برای بعضی‌ها نیز چیزی غیر از جنگ در پی نداشته است.

اگرچه قرن بیستم شاهد تحقق سناریوهای جنگ آب نبوده است، اما بارها استفاده از مشکل کمبود آب را به‌عنوان یک ابزار سیاسی تجربه کرده است. در این راستا، توزیع منابع آب برحسب توافقات بین دولت‌ها و با توجه به منافع ملی هیدروپلیتیک شکل می‌گیرد. این وضعیت، خالق سیستم‌های توزیع براساس منافع سیاست داخلی و خارجی نیرومندترین دولت‌ها به لحاظ اقتصادی و نظامی در اطراف منابع مشترک آب که مارک زیتون^۱ از آن به‌عنوان هیدرو - هژمون نام می‌برد، بوده است. به عبارتی، آب نه برحسب نیاز، بلکه با توجه به موازنه‌های نامناسب قدرت پخش شده است. هر چند نمی‌توان این روند را یک گرایش جهانی دانست، اما در مناطقی چون خاورمیانه و آفریقا که فاقد ثبات و آرامش سیاسی هستند، نظام حاکم می‌باشد. در حقیقت، با در نظر گرفتن همین ماهیت سیاسی منابع آب و اینکه بیش از ۲۶۰ حوزه آبی مشترک در دنیا وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود در قرن بیست‌ویکم آب جای نفت را به‌عنوان یک منبع منازعه بگیرد. با این دیدگاه، آب در اراضی مورد اختلاف خاورمیانه

1. Mark Zeitoun

که سرزمین اصلی جنگ‌های نفت محسوب می‌شود، عنصری تعیین‌کننده در تأمین ثبات و آرامش منطقه به شمار می‌رود.

مرزهای مورد اختلاف خاورمیانه حکم حاکمیت اختلاف برانگیز منابع ارزشمند طبیعی منطقه را داراست. با توجه به آب و هوای خشک منطقه، آب در جایگاه با ارزش‌ترین این منابع قرار دارد. در این مقاله سعی شده است، ضمن تمرکز بر نقش آب در روند تاریخی اختلافات رژیم صهیونیستی - فلسطین، بُعد انسانی منازعات آب و دلایل متأثر از آب در عدم عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی مورد بررسی قرار گیرد. شایان ذکر است، مجموعه عوامل رویدادهای تاریخی، بی‌کفایتی سازمان‌های قانونی بین‌المللی مرتبط با مسائل آب و جاه‌طلبی‌های ناسیونالیستی در سیاست داخلی باعث ایجاد بحران گسترده آب در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بوده است. طوری که بارها از آب به‌عنوان یک ابزار استراتژیک و سیاسی استفاده شده و علاوه بر درگیری‌های شدید، منطقه شاهد بحران حقوق انسانی است. این در حالی است که استفاده از منابع آب به بهانه‌های مختلف در سیاست داخلی و خارجی رژیم صهیونیستی که بیش از نیمی از آب مورد نیاز خود را از سرزمین‌های اشغالی تهیه می‌کند، خود دلیل محکمی است مبنی بر این که اسرائیل به این زودی این سرزمین‌ها را تخلیه نخواهد کرد.

دورنمای بحران آب

آب و هوای خشک منطقه در حال تبدیل آب به‌عنوان مهم‌ترین منبع توسعه انسانی و رشد اقتصادی به‌ویژه برای کشورهای فاقد نفت خاورمیانه می‌باشد. در چهل سال اخیر، کمبود آب، علی‌رغم اینکه یک پدیده طبیعی است، به خاطر دلایلی چون رشد بی‌سابقه شهرنشینی، کشاورزی وابسته به بخش دولتی، تصمیمات یک‌جانبه، مرزهای اختلاف برانگیز و انفجار جمعیت بیش از پیش افزایش یافته است. این روند، باعث مصرف بی‌رویه منابع منطقه‌ای آب، کاهش میزان بازتولید منابع آب و افت کیفی آب بوده است. در سال ۱۹۹۸، با وجود ظرفیت ۲۴۰۰ میلیون متر مکعبی منابع آب شیرین منطقه، میزان مصرف سالیانه حدود ۳۰۰۰ میلیون متر مکعب بود (Civic, 1999: 16). بنا به گزارش سال ۲۰۰۷ بانک جهانی کمبود آب در منطقه بیش از پیش افزایش خواهد یافت و سرانه مصرف آن از ۱۱۰۰ میلیون مترمکعب در سال جاری به ۵۵۰ میلیون متر مکعب در سال ۲۰۵۰ کاهش خواهد یافت (Dore, 2007).

ظرفیت سالانه رود اردن که یکی از مهم‌ترین منابع آب شیرین منطقه محسوب می‌شود، ۱۳۰۰ میلیون متر مکعب برآورد می‌شود. کشورهای سوریه، اردن، لبنان و فلسطین دارای حق استفاده از این حوزه آبی هستند. علاوه بر رود اردن، منابع آب

زیرزمینی نیز نقش مهمی در زندگی مردم منطقه دارد. منابع زیرزمینی کرانه باختری و ساحلی نیز جزو آب‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند. اهمیت بین‌المللی این منابع به دلیل تبعیت رژیم حقوقی این منابع از قراردادها و آئین‌نامه‌های بین‌المللی آب است. این قراردادها از اقدامات یک‌جانبه کشورهای منطقه برای تغییر مسیر آب جلوگیری می‌کنند. البته، این محرومیت قانونی در ابتدا به دلیل این که رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب منطقه به‌شمار می‌رود، بارها از جانب تعدادی از کشورهای منطقه نقض شده است. منابع آب معدنی زیر صحرای نجف (در جنوب فلسطین اشغالی) و تأسیسات تصفیه آب شور در سواحل دریای مدیترانه دیگر منابع قابل دسترس رژیم صهیونیستی هستند که می‌توانند میزان آب مصرفی ۱۲۰ الی ۲۴۰ سال این کشور را تأمین کنند. رژیم صهیونیستی به دلیل عدم بازتولید منابع آب معدنی و هزینه‌های گران تصفیه آب شور، این دو مورد را در برآوردهای ذخایر آب خود محاسبه نمی‌کند. در عوض، ۶۰٪ منابع آب خود را از سرزمین‌های اشغالی تأمین می‌کند (Feitelson, 2005:416). در واقع، مصرف سالیانه آب اسرائیل ۲/۸ میلیارد متر مکعب است که از این مقدار ۱/۷ آن از سرزمین‌های اشغالی ۱۹۶۷ تأمین می‌شود (Önel, 2007). بر این اساس، بعد دیگری تحت عنوان مرزهای اختلاف برانگیز به مشکل آب که خود از ماهیت بسیار پیچیده‌ای برخوردار است اضافه می‌شود.

در حقیقت، باتوجه به مشکل طبیعی آب، می‌توان پافشاری رژیم صهیونیستی بر تداوم اشغال سرزمین‌های فلسطینی را با استراتژی کنترل ذخایر آب منطقه که از آن به‌عنوان منبع حیات در خاورمیانه یاد می‌شود، ارزیابی کرد. البته، این به معنی آن نیست که سیاست اشغال‌گری اسرائیل تنها به دلیل مسئله آب است؛ با این حال، آب در معادلات سیاست داخلی و خارجی اسرائیل درکنار دیگر عوامل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

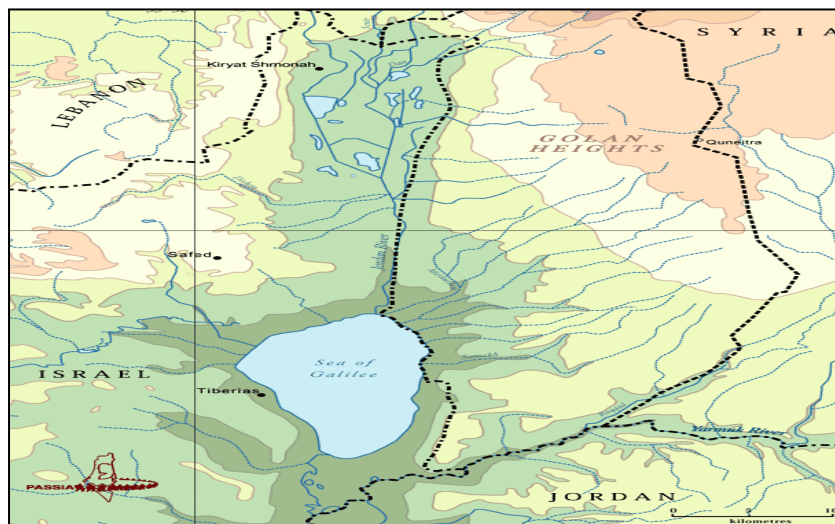
سیاست آب رژیم صهیونیستی

دولت اسرائیل که تقریباً تمام سیاست‌ها و پروژه‌های آن با موضوع دین مرتبط هستند و به عبارتی بهتر جهت‌دهی به تمام سیاست‌های خود را از روی تورات یک امر ضروری می‌بیند، از سال ۱۹۴۸ برای تأمین آب مورد نیاز از طریق همسایگان خود سیاست‌های بلندمدتی به کار بسته است. در این روند، رژیم صهیونیستی برای تأمین آب مورد نیاز جمعیت فزاینده خود و نیز رسیدن به سطح اول قدرت در منطقه از منابع جدیدی بهره گرفته است. استفاده از سیاست آب در این رژیم دارای سابقه طولانی

است. مثلاً قبل از تشکیل دولت اسرائیل، نقشه صهیونیستی ارائه شده در جریان مذاکرات صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ رودخانه لیتانی لبنان را در داخل مرزهای متصور اسرائیل نشان می‌دهد (Önel, 2007). البته، با وجود اینکه طرح ملی شبکه آب اسرائیل بین دریاچه الخلیل (جلیله) و دشت نیجف در سال ۱۹۶۳ شروع شده است، نمی‌توان از این پروژه به‌عنوان یک طرح ملی نام برد؛ چرا که اسرائیل همزمان با شکل‌گیری آن در سال ۱۹۴۸ در تعیین مرزهای خود از عامل آب بهره جست. همچنین، یکی از دلایل جنگ ۱۹۶۷ آب‌های رودخانه اردن بود. طبق اظهارات موشه‌دایان،^۱ رژیم صهیونیستی برای کنترل بر منابع آب خودی و منابع آب اعراب وارد این جنگ شد. حتی، بعد از جنگ شش روزه موضوع معاوضه تپه‌های جولان با رودخانه اردن در دستور کار قرار گرفت. در این روند، اسرائیل علاوه بر جلوگیری از پروژه سدسازی سوریه در مقابل آب-های روان به سمت دریاچه الخلیل (جلیله) در شمال فلسطین اشغالی، اعلام کرد که در صورت تأسیس چنین سدی، برای مقابله با آن از هیچ اقدامی دریغ نخواهد کرد. همچنین، به دلیل واکنش تند رژیم صهیونیستی پروژه مشترک سدسازی سوریه با اردن بر روی رودخانه یرموک به حالت تعلیق درآمد. همزمان، کانال جونلی در اردن نیز به مدت طولانی زیر حملات شدید رژیم صهیونیستی قرار گرفت (Güngörmüş Kona, 2008).

با وجود این که رود اردن از سرزمین اردن سرچشمه می‌گیرد و بخش مهمی از اراضی آن را آبیاری می‌کند؛ اما، با توجه به اهمیت ویژه‌ای که برای رژیم صهیونیستی دارد، این رژیم مخالف کامل انتقال ذخایر آب موجود در اردن به اراضی آن است. در این راستا، اسرائیل با بسیج تمام امکانات خود و نیز با توسل به ارتباطات عمیق خود با آمریکا اقدام به انتقال آب به‌وسیله خطوط لوله از دریاچه الخلیل (جلیله) و رودخانه یرموک به تل‌آویو نموده است. در واقع، این اقدام علاوه بر تأمین بخشی از نیاز آب رژیم صهیونیستی، نوعی آسایش سیاسی نیز برای آن کشور به همراه داشته است. به طوری که این رژیم علاوه بر تصاحب منابع آب سرزمین‌های عربی، خود را به‌عنوان فاتح جنگ آب در خاورمیانه قلمداد می‌کند. از طرف دیگر، چاه‌های آب کرانه باختری نیز برای اسرائیل از اهمیت حیاتی برخوردار هستند. اسرائیل، غیر از رودخانه اردن، ۹۰٪ منابع آب کرانه باختری را نیز مصرف می‌کند. در حقیقت، استفاده صهیونیست‌ها از ۹۰٪ منابع آب کرانه باختری باعث شکل‌گیری ابعاد گسترده‌ای از قحطی آب در سرزمین‌های تحت

سکونت نزدیک به یک میلیون فلسطینی بوده است و به صورت غیرمستقیم نتیجه‌ای غیر از تشدید تنش‌ها بین طرفین در بر نداشته است (منبع بالا).
 به طور کلی، رودخانه اردن در رأس منابع آب رژیم صهیونیستی قرار دارد، این مسئله تپه‌های جولان را نیز شامل می‌شود و منابع آب جنوب لبنان نیز مدنظر اسرائیل قرار دارد. شایان ذکر است، اسرائیل ضمن استفاده از منابع آب لبنان، سوریه و فلسطین، علاوه بر تقویت قدرت خود و تقلیل قدرت رقبای، طالب آب نیل و فرات و ماناواگات^۱ هم بوده است.



http://www.passia.org/palestine_facts/MAPS/Surface-Water.htm

نقشه ش (۱):

نقش آب در سیاست خارجی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی

از ابتدای قرن بیستم آب در منازعه رژیم صهیونیستی - فلسطین نقش مهمی بازی کرده است. به طوری که رهبران صهیونیستی در سال ۱۹۱۹، یعنی دو سال بعد از صدور بیانیه بالفور^۲ در سال ۱۹۱۷ خواستار تغییر در مرزهای ترسیم شده بعد از بیانیه

۱. ماناواگات رودخانه‌ای است در جنوب ترکیه که در استان انتالیا جریان دارد. در طول سال‌های گذشته ترک‌ها سعی داشتند از راه فروش آب این رودخانه به رژیم صهیونیستی بخشی از هزینه‌های مربوط به فعالیت پرهزینه اسرائیل در مدرنیزه کردن صنایع نظامی - هوایی ترکیه را تأمین نمایند.

2. Balfour Declaration

این بیانیه حاوی قول مساعد انگلستان برای تشکیل دولت یهودی در فلسطین بود.

بالفور شدند. در واقع، هدف اصلی این خواسته آوردن منابع باارزش آب منطقه به زیر کنترل منطقه تحت‌الحمایه فلسطین و در ادامه آن تحت کنترل دولت یهودی بود. "آینده اقتصادی فلسطین باتوجه به پتانسیل آب و برق منطقه به منابع ضروری آب بستگی دارد... رودهای اردن و لیتانی منابع تأمین این نیاز آبی هستند" (Frederiksen, 2003: 71)

در حقیقت، ترسیم مرزهای دولت تأسیس نشده رهبران صهیونیست براساس حوزه‌های آبی، نشان می‌دهد وجود دولت یهودی تنها در سایه کنترل بر منابع آب منطقه معنی پیدا می‌کند. همچنان که رهبران یهودی در اواسط قرن بیستم با رد درخواست‌هایشان از جانب انگلیس و فرانسوی‌ها، برای حل مشکل کمبود آب که با افزایش نسبی جمعیت در منطقه به تبع تشدید مهاجرت یهودیان به منطقه بعد از به‌حکومت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳ در آلمان به وضعیت بحرانی رسیده بود، پروژه‌ای آغاز کردند که ناقض قراردادهای بین‌المللی بود. این پروژه با عنوان لودرمیلک^۱ (۱۹۴۴) برای اقدامات یک‌جانبه رهبران صهیونیستی در جهت تغییر مسیر رود اردن، تأمین آب مناطق یهودی نشین و ضمن آبیاری تدارک دشت نجف برای کشاورزی برنامه‌ریزی شده بود. شایان ذکر است، طرح ملی انتقال آب رژیم صهیونیستی که با شروع فعالیت خود از سال ۱۹۵۳ موجب درگیری‌های گسترده‌ای بین این رژیم و همسایگان عرب آن بوده و در حال حاضر نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهد، در سایه پروژه لودرمیلک تأسیس شده است. رژیم صهیونیستی، به‌وسیله این طرح ۱۳۰ کیلومتری که از خطوط لوله غول‌پیکر، کانال‌های روباز، تونل‌های زیرزمینی و ایستگاه‌های پمپاژ تشکیل یافته است، منابع آب واقع در قسمت‌های شمالی اسرائیل را به زمین‌های کشاورزی جنوب آن پیوند داده است.

براساس قطعنامه شماره ۱۸۱ سازمان ملل در سال ۱۹۴۷، سرزمین‌های فلسطین به نسبت ۴۴ / ۵۶ بین فلسطینی‌ها و یهودی‌ها تقسیم شده است. سرزمین‌هایی که برای تأسیس دولت اسرائیل تخصیص داده شده است، بخشی از رود اردن و دریاچه الخلیل (جلیله) که از منابع بسیار مهم آب منطقه محسوب می‌شوند را در خود جای داده است. با این حال، با استقلال اسرائیل در سال ۱۹۴۸ وضعیت بیش از این برای فلسطینی‌ها بدتر شد. در واقع، رژیم صهیونیستی با قوانینی که وضع کرده بود بخش اعظمی از منابع آب منطقه را به جمعیت یهودی اختصاص داد. اسرائیل با این هدف، خصوصاً با تشدید سیاست پایین آوردن جمعیت فلسطینی‌ها، توانست نزدیک به

1. Lowdermilk

۷۵۰۰۰۰ فلسطینی را مجبور به مهاجرت نماید و از مصرف آب منطقه بکاهد. به دنبال این، رژیم صهیونیستی با تدوین قانون اساسی خود سیستم شهروندی دو گانه را بنا نهاد. بر این اساس تابعیت اسرائیلی برای افراد غیریهودی و برای افراد یهودی ملیت یهودی اعطاء شد. همچنین، قانون منزلت اجتماعی (۱۹۵۲) اسرائیل به عنوان دومین اقدام حکومت اسرائیل شبکه‌ای از همکاری بین چند سازمان ملی برای خدمات‌رسانی به شهروندان برخوردار از ملیت یهودی ایجاد کرد. با توجه به این قانون، سازمان‌هایی مانند سازمان جهانی صهیونیسم و صندوق ملی یهود که بخش عمده‌ای از منابع آب و زیرساخت‌های کشور را کنترل می‌کنند، از ارائه خدمات به شهروندان فاقد ملیت یهودی معذورند. بر این اساس، حقوق آب فلسطینی‌های ساکن اسرائیل به‌طور گسترده زایل می‌شود.

با پذیرش تصویب قانونی که در سال ۱۹۵۰ نیز طرح شده بود انفجار بزرگی در جمعیت یهودی مهاجر به اسرائیل رخ داد. با این انفجار شهرنشینی افزایش یافت و بر میزان مصرف آب افزوده شد. در این وضعیت طرح ملی انتقال آب رژیم صهیونیستی را از بحران نجات داد. با توجه به پیش‌بینی هر نوع تغییر مسیر در حوزه رود اردن از جانب اسرائیل، کشورهای عربی در چارچوب سیاست "برد - باخت" (به این معنی که یک کشور هر اندازه آب بیشتری دریافت کند، کشور دیگر از آب کمتری برخوردار خواهد بود)، ابتدا با استفاده از پروژه‌های انتقال آب و در نهایت با توسل به قدرت نظامی نسبت به این طرح رژیم صهیونیستی واکنش نشان دادند. در سال‌های ۱۹۶۴ تا ۶۷ درگیری‌های نظامی اسرائیل با همسایگان عرب خود، به‌ویژه در سال ۱۹۶۷ با سوریه تحت عنوان جنگ شش روزه شروع شد. اسرائیل در جنگ با مصر، اردن و سوریه پیروز میدان شد. در این بین، تعبیر آریل شارون در زمینه جنگ اهمیت هیدروپلیتیک را از منظر صلح و ثبات در منطقه منعکس می‌کرد: "جنگ ۱۹۶۷ از روزی که اسرائیل تصمیم گرفت مسیر رود اردن را تغییر دهد شروع شده بود" (Dolatyar, 1995) اسرائیل در این جنگ کرانه باختری، تپه‌های جولان، نوار غزه و شبه جزیره سینا را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۹۷۸ شبه جزیره سینا به مصر عودت داده شد، اما دیگر سرزمین‌های اشغالی از دید استراتژی آب به اندازه عودت ندادن آن‌ها باارزش بودند؛ چرا که تمام منابع آب فلسطین از این سرزمین‌ها جریان داشتند. رودخانه‌های یرموک و بانیا که از تپه‌های جولان می‌گذرند همراه با دریاچه الخلیل (جلیله) نزدیک به ۲۵٪ از مصرف سالانه آب اسرائیل را فراهم می‌کنند. ذخایر آب زیرزمینی نوار غزه و کرانه باختری و آب‌های اردن علیا که در انحصار اسرائیل هستند، از اهمیت حیاتی برای اسرائیل برخوردارند. به همین دلیل است که اسرائیل علاوه بر ملی کردن تمام منابع آب

مناطق اشغالی، پیوند سیستم آبگذر فلسطین به سیستم آب گذر اسرائیل، اقدام به هر نوع آبیاری و حفر چاه جدید را به اخذ اجازه از مقامات نظامی اسرائیلی منوط کرده و دسترسی تمام فلسطینی‌ها به چاه‌های موجود را محدود کرده است.

سیاست‌های عملی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و افزایش شمار مناطق یهودی‌نشین، ناقض بسیاری از قراردادها و توافقات بین‌المللی مانند توافقات ژنو، بیانیه هوگو، قرارداد سازمان ملل و مفاد بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. خصوصاً پروتکل ضمیمه چهارمین توافق‌نامه ژنو حفاظت از منابع طبیعی سرزمین‌های تحت اشغال قدرت‌های اشغالگر را یک امر ضروری می‌داند و سکونت در سرزمین‌های اشغالی را به‌عنوان یک جرم جنگی نام می‌برد (Abu-Eid, 2007: 295). اما، موضوع این است که تمام این اسناد برای اشغالگری‌های کوتاه مدت برنامه‌ریزی شده و شامل ماده‌ای که به صورت مستقیم به مسئله آب اشاره کند نیستند. به‌علاوه، اسرائیل با توجه به این که فلسطین هنوز به‌عنوان یک دولت مستقل شناخته‌شده نیست، اعمال چنین توافق‌نامه‌هایی در مورد مسئله فلسطین را غیرممکن می‌داند. در کنار همه اینها، به لحاظ قانونی، آب در قراردادهای بین‌المللی مرتبط به طور قاطع به‌عنوان یک حق انسانی شناخته‌شده نیست و به مسئله فلسطین اکثراً به‌عنوان یک بحران سیاسی و اقتصادی نگریسته می‌شود در واقع، این امر نیز به نوبه خود، بدون توجه به بُعد حقوق انسانی مسئله باعث تشدید در بحران کنونی آب و امتناع از اقدامات جدی در رابطه با این موضوع بوده است.

با اتمام جنگ سرد، همراه با شروع مذاکرات مادرید در سال ۱۹۹۱ در عرصه بین‌المللی امیدها برای برقراری صلح در خاورمیانه جوانه زد. آب در همین فرایند صلح یکی از سرفصل‌های اصلی مذاکرات بود. در حقیقت، با امضای قرارداد موقت ۱۹۹۵ بین تشکیلات فلسطین و اسرائیل پیشرفت‌های مهمی در زمینه موضوع آب حاصل شد. حتی در بین طرفین با تکیه بر اصل رضایت عموم کمیته مشترک آب برای تصمیم‌گیری تأسیس شد (Jagerskog, 2007: 197). این کمیته، به خاطر مسائل سیاسی و بیشتر به دلیل رد پیشنهادات پروژه انتقال آب اسرائیل از فلسطین نتوانست خشنودی فلسطینی‌ها را جلب نماید. علاوه بر این، فقدان تجربه، حوادث انتفاضه و نیز به روی کار آمدن حزب ملی‌گرای افراطی لیکود در اسرائیل کمیته مشترک آب را از تأثیر انداخت. کمیته علی‌رغم همه نتایج منفی آن، در جریان حوادث انتفاضه دوم فعالیت‌های خود را به تعلیق در نیاورد و سعی کرد مسائل سیاسی را با مسائل فنی آب یکی نگیرد. اداره آب فلسطین، در سال ۱۹۹۶ و با هدف توسعه منابع آب و توزیع بهینه آن برای فلسطینی‌ها تأسیس شد. قانون آب سال ۲۰۰۲ مورد قبول تشکیلات فلسطین،

آب را به‌عنوان یک حق انسانی می‌شناسد و در برابر کسانی که در مناطق اشغالی ساکنند از توزیع عادلانه و مداوم آب حمایت می‌کند (Abu-Eid, 2007: 300). با این حال، با توجه به احتمالاتی که وجود دارد، تاکنون اجرای این قانون به دلیل فقدان قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی تشکیلات فلسطینی ممکن نبوده است.



نقشه ش (۲): منابع آب (http://www.passia.org/palestine_facts/MAPS/WaterSources.html)

سیاست آب اسرائیل در قبال فلسطینی‌ها، در دهه ۲۰۰۰ نیز ادامه داشته است. با توجه به آمار سال ۲۰۰۵، سرانه مصرف آب در اسرائیل ۷ برابر میزان مشابه در مناطق اشغالی است (Ibid: 298). این عدم تعادل در توزیع آب همراه با دیوار محاط بر کرانه باختری که هنوز اسرائیل به ساختن آن ادامه می‌دهد، ایجاد وضعیت بحرانی‌تری را مجسم می‌نماید. طبق گزارش سازمان ملل این دیوار باعث شده است تعدادی ناحیه کشاورزی قابل آبیاری و منبع آب در بخش اسرائیلی بماند (United Nations, 2005). علاوه بر اینها، لونرگن و بروکس در گزارشی به بحران در دسترس‌پذیری به منابع ذخایر موجودی آب اشاره می‌کنند (Lonergan & Brooks, 1995). بنا بر همین گزارش، اسرائیل با حفظ تمام آمار و اطلاعات مربوط به آب به‌عنوان اسرار دولتی، از انتشار

اطلاعات دقیق در مورد منابع آب خودداری می‌کند. این وضعیت، نه تنها فعالیت کمیته مشترک آب را با مشکل روبرو کرده، بلکه روند مذاکرات صلح را نیز به نقطه بن‌بست رسانده است. بنابراین، به طور قطع نمی‌توان در مورد تلاش‌های اسرائیل برای اعمال تغییر در وضع کنونی موضوع آب نظر داد. در واقع، شروطی که اسرائیل درباره آب در مذاکرات صلح در دوره باراک و شارون در دستور کار قرار داده بود، این موضوع را ثابت می‌کند. در بین پیش‌شرط‌هایی که برای تشکیل دولت فلسطینی گذاشته شده بود، حاکمیت تمام منابع آب فلسطین و ساخت کانال‌های انتقال آب فلسطینی‌ها با نظارت کامل اسرائیل و نیز مصرف ذخایر آب نوار غزه و کرانه باختری در داخل مرزهای اسرائیل هر یک به‌عنوان یک ماده اضافه شده بود. شایان ذکر است، تمام این شروط ناقض قراردادهای مادرید و اسلو بوده است و بدیهی است که تحت این شرایط اظهارنظر در مورد تشکیل دولت فلسطین و یا استقلال آن غیرممکن می‌باشد. همچنین، ادامه حیات کنونی اسرائیل نیز بدون وجود منابع آب فلسطین تقریباً ناممکن است. بنابراین، اسرائیل تلاش خواهد کرد که هیچ وقت وضعیت فعلی را از دست ندهد.

به طور کلی، منابع آب موجود در سرزمین‌های تاریخی فلسطین نقش بسیار مهمی در سیاست خارجی اسرائیل بازی می‌کنند. کاهش اهمیت این نقش‌افزینی در آینده نزدیک دور از انتظار است. دلیل آن افزایش جمعیت و نبود نوعی تولید جایگزین در مقابل کاهش روزافزون منابع آب و افت کیفی آن می‌باشد. همچنین، به دلیل نابرابری موازنه‌های قدرت در بین طرفین، احتمال استفاده از یک سیستم مدیریتی آب منطقه‌ای منصف و عادلانه تقریباً وجود ندارد و در مقابل این وضعیت، سیاست تهاجمی اسرائیل جایگاه خود در شکل‌دهی به روابط خارجی اسرائیل را حفظ خواهد کرد.

سازوکارهای داخلی: سیاست ملی

استراتژی آب کشورهای خاورمیانه در سیاست خارجی آن‌ها ارتباط مستقیم با دیدگاه‌ها و جریان‌ها حاکم بر سیاست داخلی دارد. این جریان‌ها در مورد این که چه کسی، کی، چگونه و به چه اندازه حق استفاده از منابع آب را داراست، گفته‌ها و ناگفته‌های منابع آب و نحوه شناخت مفهوم امنیت آب عامل کاملاً تعیین‌کننده به‌شمار می‌رود. اختلاف اسرائیل - فلسطین نیز از این امر مستثنی نیست. مسئله آب در بین طرفین، بیشتر به‌عنوان بازتاب سیاست داخلی اسرائیل قابل درک است. نمی‌توان گفت که تشکیلات فلسطینی درباره این موضوع از اثربخشی مؤثری برخوردار است. دلیل آن قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی بالای اسرائیل نسبت به تشکیلات فلسطینی و توانایی آن در شکل‌دهی به هیدروپلیتیک حوزه رود اردن می‌باشد. به همین دلیل، آشنایی با

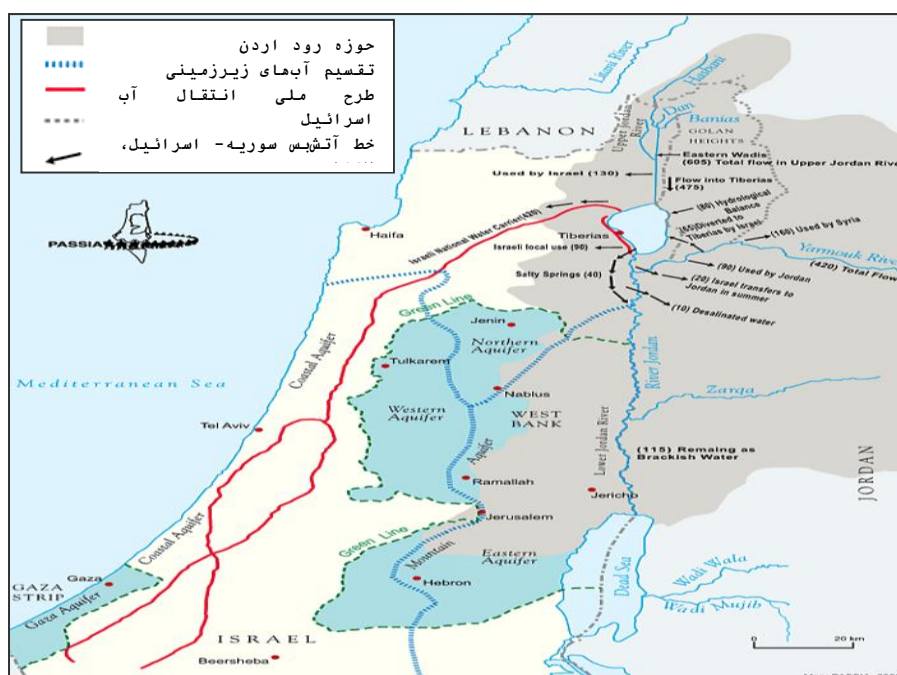
نحوه شکل‌گیری سازوکارهای سیاست داخلی اسرائیل در گذر زمان و نحوه استفاده از منابع آب در فرایند تشکیل دولت و ملت‌سازی، از منظر پیش‌بینی روند ثبات و صلح منطقه در آینده نقش بزرگی بر عهده دارد.

کشاورزی به‌عنوان یکی از موضوعات اساسی از دید صهیونیسم، تحت عنوان "شکوفای کردن بیابان‌ها" بزرگترین بخش مصرف منابع آب اسرائیل بوده و می‌باشد. این اهمیت ایدئولوژیک کشاورزی، از نخستین سال‌های استقلال فرایند ملت‌سازی را در اسرائیل با منابع آب به یکدیگر گره زده است. آب در توسعه، افزایش و تأمین بقاء سکونت‌گاه‌های یهودی که شکل‌دهنده قلب حرکت صهیونیسم به شمار می‌روند، به عنوان یک عامل ضروری نگریسته می‌شود. بعلاوه، همزمان با اسکان مهاجران یهودی در منطقه، بواسطه تشویق آن‌ها به کشاورزی یک ارتباط مادی و معنوی بسیار قوی بین مهاجر و خاک ایجاد شده است. در واقع، در این کشور سازماندهی مفهوم میهن و انتشار آن در بین مهاجران به‌وسیله کشاورزان انجام گرفته است. ثانیاً، فیتلسون^۱ به نمودار شدن بعد امنیتی در اظهارات دولتی مرتبط با موضوع آب در دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ در اسرائیل اشاره می‌کند (Feitelson, 2002: 318). به‌عنوان نمونه، درگیری‌های اسرائیل با سوریه که دلایل دیگری داشت و منابع آب در آن هیچ نقشی نداشتند، به‌عنوان مشکلات آب پایه در بین افکار عمومی اسرائیلی انعکاس داده شده است. این امر باعث می‌شود یک ارتباط عمیق بین امنیت ملی و منابع آب در اذهان مردم اسرائیل شکل بگیرد. همچنین، این ارتباط باعث شکل‌گیری ائتلاف بسیار قدرتمند دو بخش نظامی و کشاورزی در اسرائیل بوده است که در حال حاضر تصمیم‌گیری درباره بسط و توسعه، برنامه‌ریزی و توزیع منابع آب بر عهده آن قرار دارد. در حقیقت، با توجه به آنچه که گفته شد آب به لحاظ ایدئولوژیک و امنیتی در پویایی سیاست داخلی اسرائیل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت آب در سیاست خارجی اسرائیل ماهیت کاملاً تهاجمی، ناسازگار و کمیت‌پسندی به خود گرفته است.

با سازماندهی سیاست آب اسرائیل در سال ۱۹۵۹، بخش جامع کشاورزی مکانیزه در اسرائیل توانایی خود در تصمیم‌گیری درباره نحوه استفاده از آب را افزایش داد. بعد از سال ۱۹۶۶، کمیسیون آب تحت نظارت بانک کشاورزی تأسیس شد و از بین شرکت‌های ملی، متخصصین مرتبط مانند (مکوروت) در تعیین سیاست‌های آب وارد عمل شدند. وزیر کشاورزی و رئیس کمیسیون آب تا سال ۱۹۹۰ همه از بخش جامع کشاورزی انتخاب شدند (Feitelson, 2005: 416). علاوه بر این، قانون آب و کنترل

1. Feitelson

منابع آب کاملاً بر عهده مدیریت ملی سپرده شد و متولیان امور داخلی و منطقه‌ای کنار گذاشته شدند. بدین ترتیب، مقام مسئول بخش کشاورزی رژیم تهاجمی آب را در دستور کار قرار داد. تا اوایل دهه ۱۹۹۰ نه گروه‌های شهری و نه حامیان محیط زیست نتوانستند به اندازه کافی عرض اندام کنند. به‌ویژه، در جنگ شش روزه با کنترل کامل بر منابع آب فلسطین، موضوع آب از بین عموم رخت برپست. همچنین، تصمیمات اتخاذ شده از جانب کمیسیون آب به مردم اطلاع‌رسانی نشد. در این بین، با توجه به این که نگرانی اسرائیل از کمبود آب در سایه سرزمین‌های اشغال‌شده برطرف شده بود، بنابراین طبیعی بود که تعدادی از توافق‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی نادیده گرفته شود. علاوه بر این، در انتخابات سال ۱۹۹۷، با برتری حزب کارگر که دارای پایگاه روستایی است بر حزب لیکود که از پایگاه شهری برخوردار است، اسرائیل وارد عرصه ترقی در مسیر بازار اقتصاد آزاد شد. بنابراین، یک بخش کشاورزی که به صورت غیرمعمول توسط دولت حمایت مالی می‌شد، نمی‌توانست در راستای این ترقی از جایگاهی مناسبی برخوردار باشد. همچنین، در اواسط دهه ۱۹۸۰، قبل از پیوند بین سازوکارهای فعال بازار به واسطه بحران مالی بخش تعاونی روستایی، ارتباط بین کشاورزی و منابع آب توسط مفاهیم توسعه ملی و امنیت تضعیف شد. در این بین، گروه‌های حامی محیط‌زیست که توسط گروه‌های حفاظت از محیط زیست اسرائیل و تشکیلات گروهی داخلی مشابه وارد عمل شده بودند، همراه با تأثیرات دوری حزب لیکود از مسند حکومت، به شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوتی از اظهارات ائتلاف دو بخش نظامی-کشاورزی در نزد افکار عمومی یاری رساندند.



نقشه ش (۳): آب‌های سطحی در فلسطین

در این بین، خشکسالی شروع شده از اوایل دهه ۱۹۹۰ باعث شد که موضوع آب دوباره در دستور کار قرار گیرد. علت بحران تنها کاهش میزان آب نبود، بلکه افت کیفی آب نیز تأثیرگذار بود. البته، در حال حاضر، اسرائیل در عرصه سیاست داخلی در رابطه با مشکل آب از طرح‌های معین و مختلفی بهره می‌برد و در این زمینه چهار پایگاه جانبی نیز در این کشور مشغول فعالیت هستند. این مراکز که در منازعه اسرائیل-فلسطین از نقش‌آفرینی مؤثری برخوردار هستند، سرفصل‌های اصلی آن‌ها موضوع قحطی، اقتصاد، محیط زیست و حقوق انسانی است (Feitelson, 2002: 312). یکی از این مراکز با حفظ برتری کامل خود تا اوایل دهه ۲۰۰۰ و با تأکید بر موضوع قحطی، اظهاراتی دارد که حاصل آن‌ها سیاست‌های یک‌جانبه و ملی‌گرایی است که پیامدهای وحشتناکی برای فلسطینی‌ها به همراه داشته است. کانون دیگری که با تکیه بر اصل اقتصادی کار خود را شروع کرده است، در سال‌های اخیر محبوبیت فزاینده‌ای پیدا کرده و به دلیل ارائه طرح‌های مدیریت منطقه‌ای آب و پیشنهادات آن برای خاتمه دادن به انحصارهای ملی آب مورد توجه عموم بوده است. این کانون انتظارات برای برقراری روابط بین‌المللی صلح‌آمیز و همکاری همه‌جانبه در استفاده از منابع آب را افزایش داده است. در این بین، علاوه بر پیشنهاد رژیم مدیریت اکوسیستم بین مرزی از جانب کانون دیگری که از بُعد محیط زیست به مسئله آب نگاه می‌کند؛ جنبش طرفدار حقوق انسانی از ضرورت توزیع عادلانه آب برای همه افراد دفاع می‌کند. این دو گروه علی‌رغم دوری آن‌ها از فرایند تولید سیاست، به‌وسیله تشکیلات ملی و گروهی مدنی بین‌المللی مانند طرح‌های محیط زیست و آب مرکز اطلاعات و مطالعات روابط اسرائیل - فلسطین (Jägerskog, 2006)، در حال اطلاع‌رسانی و آشنا کردن افکار عمومی با مسئله آب فارغ از ابعاد ایدئولوژیک و امنیتی هستند. تنها تعدادی از اقدامات گروهی مدنی به دلیل نداشتن سابقه مناسب و درگیری‌های سیاسی به حالت تعلیق درآمده و یا از عملی شدن آن‌ها جلوگیری شده است. در کل، علی‌رغم هویت شهری حزب لیکود که در انتخابات اخیر روی کار آمده است و فارغ از اظهاراتی اقتصادی پایه در سیاست آب اسرائیل، هیچ کانون قدرتمندی وجود ندارد که بتواند جانشین گروه‌هایی باشد که با تأکید بر موضوع تهدید کمبود آب مورد حمایت واقع می‌شوند.

دیگر طرف تأثیرگذار در موازنه‌های توزیع آب تشکیلات فلسطینی است. می‌توان گفت که سیاست آب تشکیلات فلسطین از ابتدای درگیری‌ها و منازعه با اسرائیل تاکنون هیچ تغییری نداشته است. یکی از نمونه‌های عالی که می‌توان وابستگی‌های آب فلسطین را در آن خلاصه کرد، توضیحات شورای اتحادیه عرب

(۱۹۹۵) در رابطه با طرح پیشنهادی جانستون از جانب ایالات متحده آمریکا می‌باشد که سیستم توزیع آب حوزه رود اردن را مشخص کرده است: "این طرح اقدامی است که در جهت تحقق اهداف توسعه ارضی امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها در قلب سرزمین عرب‌ها و در پوشش منافع اقتصادی به انجام رسیده است" (Stein, 1999).

در واقع، این طرز نگرش‌ها، باتوجه به این که به تلاش‌های خارجی به‌عنوان نیرنگ می‌نگرد و به واسطه‌گری بین‌المللی فرصت دخالت نمی‌دهد، مانع بزرگی در مقابل تشکیل رژیم آب صلح‌آمیز محسوب می‌شوند. به علاوه، برخوردار نبودن تشکیلات فلسطینی از یک سیاست آب سیستماتیک و تأثیرگذار در حد سازوکارهای داخلی اسرائیل عرصه را برای تقویت زمامداری اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی باز گذاشته است. این نگرش یکنواخت تشکیلات فلسطینی، نزدیک به یک قرن است که در مقابل قدرت‌های غربی و اسرائیل شاهد مبارزات مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت خود و کنترل بر سرزمین‌های فلسطینی است. بین دیدگاه فلسطین که اسرائیل را به‌خاطر تمام مشکلات مرتبط با آب مجرم می‌شناسد و واقعیت تفاوت‌های بزرگی وجود دارد (Feitelson, 2002: 298). شایان ذکر است، درگیری‌های بین گروه‌های داخل جمعیت فلسطینی، بارها به کانال‌های آب آسیب رسانده و منابع آب را آلوده کرده است. تنها همین واقعیت است که تشکیلات فلسطینی ضمن شناسایی آن به‌عنوان مسئله آب و حل و فصل آن، از آن نیز چشم‌پوشی می‌کنند. بنابراین، سیاست‌های این چنینی که از تکیه‌گاه واقعی برخوردار نیستند، باعث تقویت حاکمیت اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی بوده و خواهد بود و با این وضعیت اسرائیل نیز دلیلی برای عقب‌نشینی آن از سرزمین‌های اشغالی نمی‌بیند.

نتیجه‌گیری

آب، از جانب اسرائیل به‌عنوان یک ابزار سیاسی فشارآور، علاوه بر جلوگیری از توسعه اجتماعی و سیاسی فلسطین، با هدف کنترل بر خلق فلسطین، استفاده از فشار روانی در سرزمین‌های اشغالی و تسریع در روند ملت‌سازی در اسرائیل استفاده شده و می‌شود. در سیاست داخلی نیز، آب تحت حمایت ائتلاف دو بخش نظامی - کشاورزی برای توسعه بخش جامع کشاورزی و مسکوت کردن جنبش روستایی - طرفدار محیط‌زیست به کار رفته است. در واقع، چیزی که جلب توجه می‌کند، ضمانت

سازمان‌دهی این سیاست توسط ارگان‌هایی مانند کمیسیون آب و تداوم آن به‌وسیله کالاهای انحصاری ملی مانند مکاروت^۱ (شرکت آب اسرائیل) می‌باشد.

در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، زمینه‌سازی منابع آب همزمان با ترسیم مرزها و تعیین مناطق اشغالی یک امر کاملاً بدیهی است. در حقیقت، رهبران صهیونیست بعد از بیانیه بالفور با انتشار کتبی این موضوع اهداف خود را در جنگ شش روزه عملی کرده و مهم‌ترین منابع حوزه رود اردن را به اشغال خود درآوردند. در حال حاضر نیز اهمیت گسترده این منابع اشغالی آب از منظر مصرف آبی، توسعه اقتصادی، موجودیت دولت و بقای آن، از جمله دلایل عمده‌ای است که اسرائیل را از عودت سرزمین‌های اشغالی باز می‌دارد. بازتاب این را می‌توان در شروطی که رژیم مذکور در مذاکرات صلح برای ایجاد دولت فلسطین تعیین می‌کند و نیز در سانسور خبری برای به تعلیق درآوردن روند مذاکرات مشاهده کرد. در عرصه سیاست داخلی نیز، برداشتی که از منابع آب در اسرائیل وجود دارد، با گذر از بُعد اقتصادی، ابعاد ایدئولوژیک و امنیتی به خود گرفته است. به عبارتی، اهمیتی که صهیونیسم در فرآیند تشکیل دولت و ملت‌سازی اسرائیل به بخش کشاورزی بخشید، ارزش حیاتی به منابع آب داده و آن را به صورت مسئله امنیت ملی درآمده است. در حال حاضر نیز ائتلاف دو بخش نظامی - کشاورزی که در زمینه برنامه‌ریزی و توزیع آب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، سیاست خارجی سلطه و تجاوز محوری در پیش گرفته و در حال اجرای پروژه‌هایی است که نتایج مصیبت‌باری برای فلسطینی‌ها در پی داشته است. لازم به یادآوری است، ضعف حرکت‌هایی که با موضوعات محیط زیست و حقوق انسانی شروع شده است و نیز بالا آمدن کاندیداهای ملی‌گرای افراطی نشان از تداوم این تجربه‌ها دارد. در واقع، جایگاه ویژه آب در موجودیت اسرائیل، به دلیل اهمیت بخش کشاورزی و سیاست کمک به خودی در نزد مهاجران یهودی به معنی خالی نکردن سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جانب رژیم صهیونیستی می‌باشد که این امر می‌تواند در آینده با توجه به طولانی شدن مبارزات مردم فلسطین برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی و نیز بی‌نتیجه بودن روند مذاکرات صلح با تبعات خیلی گسترده‌ای همراه باشد.

در کل، نباید فراموش کنیم که آب برای تحقق حقوق مشروع انسانی یک عامل خیلی ضروری به شمار می‌رود. بدیهی است که حقوق اساسی مانند حق زندگی، حق سلامتی و حق استاندارد زندگی بدون دسترسی به منابع آب غیرممکن خواهد بود. به این دلیل، علاوه بر بعد سیاسی و اقتصادی مسئله آب در فلسطین، در نظر داشتن بُعد

1. Mekorot

حقوق انسانی نیز ضروری است. حتی فراتر از آن، بررسی این که این مسئله می‌تواند به خارج از منازعه اسرائیل - فلسطین راه یابد، و ارزیابی امکان تبدیل مسئله آب و بحران حقوق انسانی ناشی از آن به یک رویداد منطقه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع، باتوجه به این که حقوق انسانی یک مفهوم جهانی است و به پشتیبانی جهانی نیاز دارد، به جای امضای یک سری توافقات عام از سوی جامعه بین‌المللی درباره این بحران، باید اقدامات محکم‌تر و ملموس‌تری انجام گیرد.

منابع

1. Abu-Eid, Abdallah (2007), "*Water as a Human Right: The Palestinian Occupied Territories as an Example*", Water Resources Development, Vol.23, No 2, pp 285 – 301.
2. Civic, Mélanne A (1999), "*Water Scarcity in the Jordan River Basin*", Global Issues, Vol 4, No 1, pp 9-16.
3. Dolatyar, Mostafa (1995), "*Water Diplomacy in the Middle East*", in: The Middle Eastern Environment. St Malo Press.
4. Dore, Lucia (7 October 2007), "*Per Capita Water Availability in the Middle East to Fall by 50 per Cent*",
5. Feitelson, Eran (2002), "*Implications of Shifts in the Israeli Water Discourse for Israeli- Palestinian Water Negotiations*", Political Geography, Vol 21, pp 293 – 318.
6. Feitelson, Eran (2005), "*Political Economy of Groundwater Exploitation: The Israeli Case*", Water Resources Development, Vol 21, No 3, pp 413 – 423.
7. Frederiksen, Harald D (2003) "*Water: Israeli Strategy, Implications For Peace and The Viability of Palestine*", Middle East Policy, Vol 10, No 4, pp.69 – 86.
8. Güngörmüş Kona, Gamze (2008), "*İsrailin Su Politikası*", <http://www.yenidenergenekon.com/264-israilin-su-politikasi/>.
<http://www.khaleejtimes.com/DisplayArticleNew.asp?xfile=data/business/2007/October/b>.
9. Jägerskog, Anders (2007), "*Why States Cooperate Over Shared Water: The Water Negotiations in the Jordan River Basin*", in the book Water Resources in the Middle East, Berlin: Springer Berlin Heidelberg, pp195–202.
10. Jägerskog, Anders and Phillips, David (2006), *Managing Trans-boundary Waters for Human Development*. UNDP Human Development Report.
11. Lonergan Stephen C and Brooks David B (1995), "*Watershed: The Role of Fresh Water in the Israeli-Palestinian Conflict*", Ottawa: International Development Research Centre.
12. Önel, Ergun (2007), "*Ham Petrol Enerji..ise...Su Hayat.....dır*", http://www.iyibilgi.com/haber.php?haber_id=36066.

13. Stein, Jeffrey R (1999), ***Water Politics in the Middle East: An Analysis of Resource Scarcity and Proposed Solutions***, A Thesis Presented in Claremont McKenna College.
http://www.roberts.cmc.edu/PSI/eep/1999_JSteinthesis.pdf.
14. United Nations (2005), ***the Humanitarian Impact of the West Bank Barrier on Palestinian Communities***,
http://www.humanitarianinfo.org/opt/docs/UN/OCHA/OCHABarRprt05_Full.pdf
15. http://www.passia.org/palestine_facts/MAPS/WaterSources.html
16. http://www.passia.org/palestine_facts/MAPS/Surface-Water.htm
17. http://www.passia.org/palestine_facts/MAPS/StrategicValue-GolanHeights.html